

بررسی شیوه‌ها و روش‌های مناظرات حضرت امام رضا(ع)

علی اصغر خسروی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

چکیده

مناظره گفتمانی برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم با اثر بخشی دو جانبه است. در این میان مناظره‌های حضرت امام رضا(ع)، بدلیل گستردگی دامنه فضای علمی پدید آمده و شرایط خاص فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی در عصر آن حضرت، از اهمیت بسزایی برخوردار است. با نگاهی دقیق به مناظرات حضرت، به این نتیجه می‌رسیم که حضرت در مناظرات خود به گونه‌ای سخن گفته‌اند، که متناسب با سطح علمی و فکری مخاطب باشد، در عین حال حضرت همه اصول و ضوابط مناظرات را نیز رعایت نموده‌اند، از جمله رعایت ایجاز، به کارگیری تشبیهات و تمثیلات، و ارائه دلایل محکم و متناسب و... که در پژوهش پیش رو با روش توصیفی، تحلیلی، مبتنی بر منابع اصیل تاریخی به بررسی سبک‌ها و ویژگیهای مناظرات حضرت امام رضا(ع) پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: سبک، مناظره، احتجاج، امام.

۱- مقدمه

روش مناظره ای از روش های آموزشی ای بوده که ائمه معصومین (ع) همواره از آن برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل با اثر بخشی دوجانبه و با هدف آگاهی بخشی، ردو بدل کردن اطلاعات، ایجاد نگرش های مثبت،... استفاده عملی می کردند. از آغاز سده دوم هجری، گرایش های مهم کلامی و فقهی رو به رشد و در پی نهضت ترجمه، انبوهی از علوم، آرا و افکار جدید وارد جامعه اسلامی گردید، که در مواردی به سبب ناسازگاری با آموزه های اسلام، منازعات و مجادلات فراوانی را به وجود آورد. در چنین نابسامانی های فکری و فرهنگی، معصومین علیهم السلام از روش مناظره استفاده کرده و کوشیدند تا از این طریق، حق را اثبات کنند و پیغام الهی را به بندگان او برسانند. این روش را همه معصومین علیهم السلام از جمله حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مورد توجه قرار داده اند.

۲- معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی مناظره

مناظره در لغت به معنای بحث، مجادله و نزاع دو نفر یا دو جمع با همدیگر و بحث با یکدیگر، درباره حقیقت و ماهیت یک موضوع، و همچنین به معنای «با هم نظر کردن» درباره حقیقت و ماهیت یک امر نیز می باشد. در تعریف اصطلاح مناظره، دهخدا می نویسد: «توجه متخصصین در اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و نسبتی از نسبت ها، برای اظهار و روشن کردن آنچه حق و صواب باشد»^۱.

۳- دیدگاه الهی نسبت به مناظره

قرآن کریم، از یک سو مسلمانان را از جدل و بحث های بی ثمر منع می کند و از سوی دیگر، به بحث و مباحثه تشویق می کند و می فرماید: «و لا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن»^۲؛ یعنی با اهل کتاب مجادله نکنید، مگر با شیوه ای که احسن است. و در آیه ای دیگر ارشاد می فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»^۳؛ ای پیامبر! مردم را با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت فراخوان و با آنان با شیوه ای که نیکوتر است مناظره کن.

۴- اهمیت و ضرورت مناظره در عصر امام رضا(ع)

دوران امامت بیست ساله حضرت امام رضا(ع) با خلافت سه نفر از زمامداران عباسی؛ هارون (۱۸۳-۱۹۳ ق)، امین (۱۹۳-۱۹۸ ق) و مأمون (۱۹۸-۲۰۳ ق) همزمان بوده است.^۴

شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی در عصر مأمون عباسی موجب گشت تا پرسش ها و شبهات عدیده ای پدید آید، جریان های نظیر پذیرش رسمی مذهب اعتزال از سوی دربار عباسی، طریقه نوپای واقفیه در دوران مذهب شیعه، و نیز تضارب آراء و عقاید مکاتب مختلف فکری خارج از حوزه اسلام و نفوذ اندیشه های الحادی از رهگذر ترجمه آثار بیگانگان از یک سو و

۱- لغتنامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۵۶۳.

۲- عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۶.

۳- نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون الأخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۶۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۸.

تظاهر و رفتار ریاکارانه حکومت عباسی به دین و دیانت و مقام و منزلت اهل بیت(ع)، پاسخگویی و ضرورت دفاع از کیان اسلام و تشیع را ایجاب می‌کرد، که نگاهی به مناظرات حضرت، عنایت حضرت را به رفع این شبهات نشان می‌دهد.

۵- تعداد مناظرات، طرف‌های مناظره و موضوعات مورد بحث امام(ع)

شمار مناظرات حضرت امام رضا(ع) با اهل کتاب، علما و دانشمندان بزرگ آن روزگار فراوان است، که جست‌وجو در منابعی مانند عیون اخبارالرضا(ع)^۵، الأحتجاج^۶ و بحارالأنوار^۷، مجموعاً گزارش پانزده مجلس مناظره را (با حذف موارد تکراری) در دسترس محقق قرار می‌دهد، و نمایانگر آن است که این مناظرات متناسب با موقعیت‌ها، مختصر یا مفصل برگزار شده است و مأمون عباسی در بیشتر این محافل حضور داشته و گاه خود او با امام به گفت‌وگو پرداخته است.

برخی از طرف‌های مناظرات حضرت و محورهای آن بدین قرار می‌باشد.

علمای ادیان مختلف، جاثلیق (لقب علمای بزرگ نصارا)، رأس الجالوت (لقب دانشمندان و بزرگان ملت یهود)، هریزاکبر یا هیربد اکبر (لقب مخصوص بزرگ زرتشتیان)، در خصوص اثبات نبوت پیامبر(ص) و توحید و نیز عمران صابی در موضوع توحید.

مناظره با سلیمان مروزی، معروف‌ترین عالم علم کلام در خطه خراسان در عصر مأمون، در زمینه توحید، علی بن محمدبن جهم (ناصری و دشمن اهل بیت) در موضوع عصمت انبیاء(ع)؛ و نیز ابن السکیت در موضوع نبوت و امامت، مناظره با ابوقره محدث پیرامون حلال و حرام و مسائل مربوط به توحید، همچنین برگزاری مجلس گفت و گو در موضوع عصمت انبیاء و تفسیر صحیح آیات؛ و درباره عترت و تفاوت آن با امت با علمای عراق و خراسان.

۶- مهمترین ویژگی‌های مناظرات حضرت امام رضا(ع)

آنچه در این مناظرات اهمیت بسزایی دارد، موضع برتری امام رضا(ع) و پیروزی در همه گفت‌وگوهاست که سرانجام تسلیم همه طرف‌های مناظره و در مواردی تشرف آنان به دین مبین اسلام را در پی داشت.

علم موهبتی امام^۸، احاطه حضرت بر آیات و اخبار و استدلال به آن دو^۹، آگاهی امام از همه ادیان و مکاتب و استناد به کتب آسمانی^{۱۰} و بهره‌گیری از زبان‌های مختلف^{۱۱} از مهمترین ویژگی‌های مناظرات حضرت بشمار می‌آید.

۵- همان، ص ۱۳۹-۱۸۲.

۶- طبرسی، الأحتجاج، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۳۷.

۷- مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۲۹۹-۳۵۱، ج ۴۹، ص ۱۸۹-۲۱۶.

۸- مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۱، ص ۸۴، ج ۴۹، ص ۱۸۰؛ طبرسی، الأحتجاج، ج ۲، ص ۲۲۴.

۹- شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۱۰- مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۳۰۱.

۱۱- شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا(ع)، ج ۱، ص ۲۵۱.

۷- مهمترین سبک‌های مناظرات حضرت امام رضا(ع)

۷-۱- اهمیت به تفکر و به کارگیری استدلال‌های عقلی (اثبات وجهه عقلانی احکام)

اولین چیزی که در این زمینه قابل ارائه است، به کارگیری از استدلال‌های عقلی در مناظرات می‌باشد، حضرت بیشتر کوشیده‌اند تا از استدلال‌های عقلی استفاده کنند، زیرا استدلال‌های عقلی عمومیت داشته و همه انسانهای عاقل آن را می‌پذیرند.

ابن السکیت از حضرت امام رضا(ع) پرسید، امروز حجت خدا بر جهانیان کیست؟ حضرت فرمود: عقل حجت او بر آفریدگان است؛ زیرا آن کسی که نسبت به خدای متعال صادق است به مدد عقل خداوند را شناخته، تصدیق می‌نماید، و کسی که خداوند را تکذیب می‌کند نیز با وجود برخورداری از معرفت، او را تکذیب کرده است.^{۱۲}

۷-۲- محوریت قرآن در مناظرات

حضرت امام رضا(ع) در مناظرات و احتجاجات خود از قرآن بهره کافی برده و آن را محور قرار می‌دادند. از جمله در مناظره با ابوقره محدث، هنگامی که او یک روایت را به عنوان شاهد آورد، حضرت آن را قبول نکرد و آیاتی از قرآن را برای او خواند. ابوقره از حضرت پرسید: بنابراین، شما این حدیث را تکذیب می‌کنید و قبول ندارید؟ حضرت در جواب فرمودند: اگر روایت مخالف قرآن باشد، آن را تکذیب می‌کنیم.^{۱۳}

۷-۳- آزاداندیشی

در اصول دین، انسان نمی‌تواند کورکورانه مقلد دیگران باشد؛ زیرا منطق اسلام منطق عقل و اندیشه است. حضرت امام رضا(ع) هم به همین اصل مهم و ارزشمند در قول خود اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت حقیقی تفکر در امر الهی است.»^{۱۴}

در مناظرات نیز حضرت، عقل و منطق را محور قرار می‌دادند، بعنوان مثال در مناظره با عمران صابی، حضرت چنین فرمودند: ای عمران! در مسئله‌ای که طرح کردی تعقل کن! زیرا این مسئله از دشوارترین مسائلی است که برای مردم مطرح می‌شود و کسی که عقلش در معرض دگرگونی و رو به کاستی بوده، از آگاهی لازم برخوردار نباشد آن را در نمی‌یابد،^{۱۵}...

۷-۴- احترام و تکریم متقابل

در اثنای گفت‌وگوی امام رضا(ع) با عمران صابی، نامبرده اسلام را پذیرفت و آن حضرت در پایان مجلس، عمران را فرا خواند، و به هنگام ورود وی محترمانه از او استقبال کرد، سپس به او چند جامه و ده هزار درهم عطا فرمود.^{۱۶} عمران نیز با آن که از

۱۲- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۸۶.

۱۳- طبرسی، احمدبن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۷۶.

۱۴- سلیمان، داوود، مسند الرضا، ج ۱، ص ۹۱.

۱۵- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۵۷.

فیلسوفان بزرگ عصر خویش به شمار می‌رفت، در برابر حضرت رضا(ع) فروتن بود و آن بزرگوار را با تعبیری چون، «سیدی» و «مولای» خطاب می‌کرد.^{۱۷}

۵-۷- رعایت انصاف و منطق

حضرت رضا(ع) سخت بر رعایت انصاف در بحث و مناظره تکیه داشتند و تلاش می‌کردند در فضای حاکم بر مناظره، انصاف جاری باشد. حضرت به عمران صابی فرمودند: ای عمران، بپرس و بر تو لازم است که انصاف به خرج دهی و از مغالطه‌کاری و ستمگری پرهیز کنی.^{۱۸}

۶-۷- بهره‌گیری از تشبیه و تمثیل

امام، در عرصه احتجاج، ابتدا با استفاده از مثال‌های ساده و قابل فهم که درک آن ملموس و محسوس است، مطالب را روشن ساخته، سپس با عرضه استدلال‌های عقلی و کلامی، به تفصیل و تعمیق موضوع، می‌پرداخت. مناظره حضرت با عمران صابی، نمونه این مدعاست؛ آن گاه که از حضرت پرسید: آیا خداوند درون مخلوقات جای دارد، یا مخلوقات درون اویند؟ امام فرمود: ای عمران! بگو هنگامی که عکس تو در آینه منعکس می‌گردد، تو در آینه‌ای یا آینه در اندرون توست؟! اگر هیچ یک درون دیگری نیست چگونه به انعکاس روی خود در آینه استدلال می‌نمایی؟ کدام سبب موجب می‌شود تصویر خود را در آینه بنگری؟ عمران پاسخ داد؛ با آن روشنایی که میان من و آینه وجود دارد، حضرت فرمودند، آیا روشنایی آینه بیش از نور چشم توست، که با آن اشیاء را مشاهده می‌کنی؟ عمران گفت، آری، امام فرمودند، آن روشنایی آینه را که بیش از روشنایی چشم می‌باشد، به ما نشان بده و عمران دیگر نتوانست پاسخی بدهد.

امام فرمود: بنابراین می‌توان گفت، که نور است که هم تو را و هم آینه را نشان داده است، بی‌آنکه تو در آینه باشی یا آینه درون تو بوده باشد، البته در توضیح این حقیقت مثال‌های دیگری جز آنچه گفته شد وجود دارد که نادان را جای سخن گفتن درباره آن نیست و مثل برتر از آن خداوند است.^{۱۹}

۷-۷- بهره‌گیری از شیوه جدل برای ارشاد و هدایت

بعنوان نمونه، حضرت، خطاب به یکی از زندیقان که منکر مبدا و معاد بود، فرمود اگر مطلب چنان باشد که شما می‌گویید، (خدا و قیامت حقیقت نداشته باشد)، ما و شما هنگام مرگ یکسان خواهیم بود؛ زیرا سؤال، جواب و عقابی در کار نبوده و همه انسان‌ها یکسان خواهند بود، ولی اگر امر بدین منوال باشد که ما می‌گوییم (که برای جهان مبدا و معاد، و برای انسانها

۱۶- مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۱۷- همان، ص ۳۱۵.

۱۸- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۴.

۱۹- مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

مسئولیت‌ها و تکالیفی مقرر و بعد از مرگ نظام جزا و کیفری برقرار باشد)، فرجام ما خداپرستان با کافران تفاوت بسیار دارد؛ یعنی مرگ، سرآغاز آسایش مؤمنان و رنج کافران است.^{۲۰}

۸-۷- قاطعیت در عین تواضع

در مناظرات حضرت رضاع(ع) این اصل همیشه رعایت شده است و ما هیچ مناظره‌ای را نمی‌یابیم که حضرت نسبت به این امر بی‌توجه باشند، بلکه در هر مناظره و بحث و گفتگو نسبت به مخاطبین تواضع داشتند و با متانت تمام، سخنان طرف مقابل را می‌شنیدند، ولی حضرت در مقام پاسخ، روش خود را تغییر داده، و با قاطعیت جواب می‌دادند، تا شبهه‌ای برای مخاطبان باقی نماند.

در مناظره با جاثلیق، وقتی حضرت از جاثلیق اعتراف گرفتند که حضرت عیسی(ع) به آمدن پیامبر اسلام(ص) بشارت داده، رو به رأس الجالوت، عالم یهودی کردند و فرمودند: ای راس الجالوت! سفر فلانی از تورات را گوش کن از زبور داوود. راس الجالوت گفت: خدا بر تو و خاندان تو مبارک گرداند. بخوان! پس حضرت سفر اول از زبور داوود را تلاوت نمود؛ تا اینکه به نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین رسید و فرمود: من از تو سؤال می‌کنم، ای راس الجالوت! به حق خدا بگو و گواهی بده که آیا این در زبور داوود هست؟ و نترس! من همان امان و عهد ذمه که نسبت به جاثلیق دادم، به تو هم دادم. در این هنگام راس الجالوت گفت: بله، عین این در زبور هست. در این هنگام حضرت فرمودند: به حق آیات ده گانه‌ای که خداوند بر موسی نازل کرده است، آیا صفت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین را در حالی که عدل و فضل را به آنان نسبت داده است، در تورات می‌یابی؟ راس الجالوت پاسخ داد: بله، این گونه است و هر کسی این مطالب را انکار کند به پروردگار خویش و پیامبران او کافر گشته است.^{۲۱}

۹-۷- توجه به سطح فکری مخاطب

براساس فرمایش، رسول اسلام، وظیفه انبیاء و وحی آنها این است که در گفتگو با مردم، براساس استعدادهای عقلی آنها سخن بگویند، تا مردم سخن آنها را بفهمند، آنجا که می‌فرمایند: «ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم براساس سطح فکری و عقلی آنها سخن بگوییم».

امام هشتم(ع) هم این اصل را در مناظرات خود با قشرهای مختلف در سطوح متفاوت در نظر داشتند. اگر مخاطب حضرت یک شخص عادی و عالی است، با چند جمله ساده و یا با یک تمثیل، حق را برای او آشکار می‌سازند و در جایی که خواص اصحاب، مخاطب حضرت بودند، و گنجایش درک معارف را در سطوح بالا داشتند، جوابی داده می‌شد که با عقل و استعداد آنها مطابقت کند، و آنجا که رهبر یک مکتب می‌آید، حضرت، به شیوه یک مناظره کننده متبحر وارد بحث می‌شوند و با استدلال‌های

۲۰- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۷۱ و ۴۱۹.

۲۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷۷.

مختلف او را به زانو در می‌آورند. مناظره حضرت با عمران صابی آن قدر پیچیده است که فهمیدن عمق مطالب بدون دقت نظر و مهارت کافی غیرممکن است؛ لذا بزرگانی بر آن مناظره، شرح نوشته‌اند.^{۲۲}

۱۰-۷- استفاده از براهین مورد پذیرش طرف مقابل

از اصول مهم مناظره این است که انسان باید در مناظره با هر گروهی، علاوه بر استفاده از براهین عقلی، از دلایلی استفاده کند که طرف مناظره نیز آن را بپذیرد. حضرت رضاع(ع) نیز اصل استفاده از براهین مورد پذیرش طرف مقابل را رعایت می‌کردند، جاثلیق به مأمون گفت: «ای امیرمؤمنان، چگونه با مردی احتجاج کنم که او با من، با کتابی احتجاج می‌کند که من منکر آن هستم و نیز با پیامبری که من به او ایمان ندارم؟» امام در برخورد با رأس الجالوت، بخش‌هایی از تورات را خواندند؛ به گونه‌ای که رأس الجالوت از تلاوت و بیان و فصاحت ایشان تعجب کردند. جاثلیق و رأس الجالوت وقتی از آگاهی حضرت، به تورات و انجیل آگاه شدند، گفتند: «به خدا قسم، چیزی برای ما آوردی و دلیلی اقامه کردی، که توان رد آن را نداریم، مگر اینکه تورات و انجیل و زبور را انکار کنیم.»^{۲۳}

۱۱-۷- میدان دادن به طرف مقابل

امام در مناظره هرگز حالت تهاجمی نگرفتند و آغاز به پرسش نکردند؛ بلکه با حوصله فراوان، به مخالفان میدان دادند تا اگر خواستند، پیش قدم شوند. به این سبب در ابتدا به رأس الجالوت، پیشوای بزرگ یهودیان، فرمودند: «از من می‌پرسی یا من از تو بپرسم؟» رأس الجالوت گفت: «من از تو می‌پرسم؛ ولی هیچ دلیلی از تو نمی‌پذیرم، مگر اینکه در تورات یا انجیل یا زبور داوود یا صفح ابراهیم و موسی باشد.»^{۲۴}

۱۲-۷- قانع کردن طرف مخالف

حضرت رضاع(ع) در مناظرات خود به گونه‌ای عمل کردند که تمام راه‌ها بر مخالف بسته شود و او را با ادله محکم و پذیرفتنی قانع کنند. رأس الجالوت، پیشوای یهودیان، وقتی کاملاً قانع شد، گفت: «به خدا قسم، ای پسر محمد، اگر ریاست عامه‌ام بر تمام یهودیان نبود، به احمد ایمان می‌آوردم و فرمان تو را اطاعت می‌کردم.»^{۲۵}

۱۳-۷- مشخص کردن طرف مقابل

در مناظره‌ای که طرف مقابل به صورت گروهی آمده‌اند، گاه اقتضا می‌کند که انسان با تعیین فردی خاص، مناظره را با او انجام دهد تا نتیجه حاصل شود، روزی مأمون گروهی از فقها و متکلمان را جمع کرد تا با امام هشتم مناظره کنند. آن بزرگوار

۲۲- مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت امام رضاع(ع)، ۱۳۶۶ هـ. ش، ج اول، مقاله استاد محمدتقی جعفری.

۲۳- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۱۵.

۲۴- همان.

۲۵- همان.

فرمودند: شما یک نفر از بین خود انتخاب کنید و هر چه او پذیرفت شما ملتزم شوید، همه رضایت دادند، یحیی بن ضحاک سمرقندی که مانند او در خراسان نبود، انتخاب شود.^{۲۶}

۱۴-۷- پاسخ‌های کوتاه و عمیق - رعایت اصل ایجاز

برای اینکه مناظره و بحث کوتاه و موجز باشد، نیاز به ممارست است و هر انسان نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ همان گونه که هر انسانی نمی‌تواند شعر بگوید. رعایت این اصل در مناظرات حضرت رضا زیاد به چشم می‌خورد و حضرت به خوبی توانسته‌اند با کوتاه‌ترین پاسخ، مخاطب را قانع کنند.

در مناظره‌ای میان آن حضرت و یکی از زندیقان، آن مرد از امام(ع) درخواست کرد تا خداوند را برایش وصف کند. امام(ع) فرمود: خداوند قابل تعریف و تحدید نیست. پرسید: چرا؟ فرمود: زیرا هر محدودی به حدی منتهی می‌شود، و هر گاه احتمال تحدید وجود داشته باشد، احتمال زیادت نیز می‌رود، و در صورت احتمال زیادت، احتمال نقصان هم وجود دارد، حال آنکه خداوند نه محدود به زمان و مکان است، و نه نقصان و تجزیه در او راه دارد، و نه با وهم و گمان می‌توان ادراک نمود و تصور کرد.^{۲۷}

۱۵-۷- تبیین معارف الهی در مناظرات

گاهی مردم برای دانستن معارف، به خدمت حضرت می‌آمدند و گاهی هم خود حضرت آنها را دعوت به جلسات علمی می‌کردند. مناظرات کوفه و بصره به دعوت حضرت از علما اتفاق افتاده است. حضرت خیلی از معارف الهی را در این مناظرات به مردم رساندند، که برخی از آنها عبارتند از:

۱- توحید و عدل^{۲۸}

۲- علم الهی و صفات او^{۲۹}

۳- بداء با سلیمان روزی^{۳۰}

۴- بحث جبر و تفویض و الأمر بین الأمرین^{۳۱}

۵- نبوت عیسی و نبوت پیامبر اسلام^{۳۲}

۲۶- همان، ص ۴۱۸.

۲۷- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۰۳-۳۰۵.

۲۸- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۵۳.

۲۹- همان، ص ۳۵۷.

۳۰- همان، ص ۳۶۶.

۳۱- همان، ص ۳۹۷.

۶- بحث عصمت انبیاء^{۳۳}

۷- بحث امامت و صفات امام^{۳۴}

۸- صفات شیعیان حضرت^{۳۵}، و بسیاری از معارف الهی دیگر که در کتب حدیثی روایت شده‌اند.

۸- نتیجه‌گیری

تفوق علمی حضرت امام رضا(ع) در همه مناظرات چندان چشمگیر بوده است که مخاطبان در برابر کمالات معنوی و مقام علمی شامخ حضرتش ناگزیر - سر تسلیم فرود آوردند و آن بزرگوار نیز همانند دیگر امامان پیش از خود با سعه صدر و استفاده از اصول عقلانی و منطقی به دفاع از دین و مذهب پرداختند. این امر خود موجب شهرت علمی امام(ع) و اطلاع مسلمانان از احاطه او بر همه مسائل گردیده، و در نتیجه، سبب تبلیغ اسلام و ترویج مذهب تشیع شد، آن هم در زمانه‌ای که باورهای دینی از هر سو مورد حمله قرار داشت. به درستی می‌توان ادعا نمود که بیانات امام(ع) در عرصه این مناظرات، از دو جنبه روش و محتوا، نه فقط در آن مقطع تاریخی که در همه روزگاران می‌تواند پاسخگوی شبهات در موضوعات مختلف دین باشد. شبهاتی که هنوز از رونق نیفتاده و در هر زمان با اندکی تغییر در رنگ و قافیه رخ می‌نماید. از این رو، اگر همان پاسخ‌ها به درستی شناخته شده و با شیوه‌ای صحیح و کارآمد به کار گرفته شوند می‌توانند مفید و موثر واقع گردد؛ زیرا نه معارف عقلی، زمان می‌شناسند و نه متون دین فرسوده گردیده و نه تفسیر معصومانه قرآن از طراوت و تازگی می‌افتد.

۳۲- همان، ص ۴۰۴.

۳۳- همان، ص ۴۳۳.

۳۴- همان، ص ۴۳۷.

۳۵- همان، ص ۴۶۰.

۹- کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، چاپ دوم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳. صدوق، محمدبن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.
۴. الطبرسی، احمد بن علی، الأحتجاج، نجف، دارالنعمان، ۱۹۶۶.
۵. الكلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷. داود بن سلیمان، مسند الرضا(ع)، قم، مرکز نشر اسلامی، بی‌جا، ۱۳۷۶.
۸. جعفری، محمدتقی، تفسیری بر احتجاج امام علی بن موسی الرضا(ع) با عمران صابی، مجموعه آثار دومین کنگره حضرت رضا(ع) کنگره جهانی حضرت رضا، مشهد، ۱۳۶۶